

مدرسه موسیقی، مدرسه موسیقار: نبرد و رقابت بر سر موسیقی ملی و کلاسیک

در بهمن ماه امسال موسیقیدانان ایرانی، به رهبری کامبیز روشن‌روان، در لندن به اجرای آثاری از ساخته‌های خود پرداختند که تلفیق موسیقی شرقی و موسیقی غربی است. پیشینهٔ چنین تلاشهایی به دهه‌های پیش برمی‌گردد که کسانی در ایران گفتند موسیقی ایرانی را باید کنار گذاشت و به قواعد غربی روی آورد. در مقابل، کسانی دیگر استدلال می‌کردند که سعی در گسستن از سنت بیهوده است و بهتر است مسیرها جداگانه ادامه یابد. هواداران نظر اول در هنرستان عالی موسیقی، و طرفداران نظر دوم در هنرستان موسیقی ملی سنگر گرفتند. نوسان میان این دو رویکرد، و افت و خیزهای هر کدام، موضوع تحقیق‌هایی بوده که فشرده یکی از آنها را می‌خوانید.

از مهمترین نکات این تحقیق، اشاره به تغییرهای فصلی و پیاپی—و شاید باور نکردنی—نام مدرسه‌ای است که در آن موسیقی درس می‌دادند. وقتی اسم مؤسسه‌ای مدام تغییر کند، می‌توان گمان کرد که اغتشاش از بخشنامه‌های اداری گذشته و به حد آشفتگی در دید تاریخی رسیده باشد.

احمد رضا احمدی

هنرستان عالی موسیقی

عربی، فنون شعر. در کلاسهای پنجم و ششم دبیرستان از دروس عمومی فقط فنون شعر و زبان فرانسه تدریس می‌شد. بقیهٔ ساعتها اختصاص به آموزش موسیقی نظری و عملی داشت. دروس موسیقی به این شرح تدریس می‌شد: در کلاس اول، تئوری موسیقی؛ در کلاسهای دوم و سوم و چهارم دبیرستان، هارمونی و سازشناسی؛ در کلاس پنجم دبیرستان، ارکستراسیون و در کلاس ششم دبیرستان، کمپوزیسیون. تئوری موسیقی نظری از کتاب لمر به ترجمهٔ مزین الدوله آموزش داده می‌شد. تدریس سلفژ و دیکتهٔ موسیقی و سازهای بادی: فلوت، کلارینت، ترومپت، ترومبون و گُر بر عهدهٔ سالار معزز بود. پیانو در همهٔ کلاسها تدریس می‌شد و معلم این ساز نصرالسلطان بود. مدرسه، با ۴۰ شاگرد، همواره کمبود معلم داشت و به این سبب هر سال معدودی هنرجوی جدید

برای آموزش موسیقی کلاسیک غرب به روش علمی در ایران بنیاد شد. شرط ورود به مدرسهٔ موزیک، داشتن گواهینامهٔ شش سالهٔ ابتدایی بود. دورهٔ مدرسه شش سال بود و سال اول کلاس آمادگی شمرده می‌شد. سالار معزز برای تدریس دروس موسیقی يك دورهٔ جزوه‌های سازشناسی، هماهنگی (هارمونی) و ارکسترشناسی را از زبان فرانسه ترجمه و تألیف کرده بود. همهٔ این درسها را سالار معزز تدریس می‌کرد. علم/هارمونی را از تألیف مسیو ران، استاد کنسرواتور پاریس، ترجمه کرده بود و به جای واژهٔ هارمونی، "تناسب" گذاشته بود. خوشنویسی کتاب را محمدحسن غریب، معروف به ادیب کرمانی، انجام داده بود. دروسی که در این مدرسه تدریس می‌شد عبارت بود از: فارسی، زبان فرانسه، فیزیک، شیمی، حساب، هندسه، جغرافیا، تاریخ، صرف و نحو

در سال ۱۲۹۳ به پیشنهاد غلامرضا مین‌باشیان (سالار معزز) و تصویب وزارت معارف، قسمت موزیک نظام مدرسهٔ دارالفنون به صورت آموزشی با عنوان کلاس موزیک افتتاح شد. در این کلاس که دوره‌ای چهارساله داشت، در کنار موسیقی نظامی، موسیقی کلاسیک غرب نیز تدریس می‌شد. در سال ۱۲۹۴، نصرالله‌خان مین‌باشیان (فرزند ارشد سالار معزز) که دوره‌های عالی موسیقی کلاسیک غربی را در کنسرواتور پترگراد آموخته بود، آموزش ویلن و ویلن سل را بر عهده گرفت.

در سال ۱۲۹۷، کلاس موزیک از مدرسهٔ دارالفنون جدا شد و به صورت مدرسه‌ای مستقل زیر نظر وزارت معارف درآمد و سازمان آن گسترش یافت. این نخستین مدرسهٔ مستقلی بود که

می‌پذیرفت. همه شاگردان غیر از آموزش درس سلفژ، بایست نواختن يك ساز بادی و يك ساز زهی را به‌عنوان ساز تخصصی بیاموزند تا بتوانند در امتحانات پایانی شرکت جویند.

در سال ۱۳۰۰ که ارتش جدید ایران بنیاد نهاد شد، سازمانی به نام اداره کل موزیک هم تأسیس شد. سالار معزز در این سال به ریاست این اداره و مدرسه موزیک منصوب شد. در این مدرسه به موسیقی ایرانی نیز توجه کرد و به هنرآموزان شیوه علمی این موسیقی را آموخت. مدرسه موزیک تا سال ۱۳۰۷ به مدیریت سالار معزز اداره شد. در مدت مدیریت او، گروهی هنرجو در دو رشته موسیقی نظامی و غیرنظامی فارغ‌التحصیل شدند. يك نمونه از برنامه امتحانی در سال تحصیلی ۱۳۰۵ در زمان تصدی سالار معزز:

۱. فلوت، بی‌ریکاتو، اثر: داماره فرانسوی.
 ۲. کلارینت، کنسرت نوالگیره، اثر: کلوزه فرانسوی.
 ۳. ویلن سل، رمانس، اثر: داویداف روسی.
 ۴. ویلن، جرکاتی، اثر: ژنوهوای مجارستانی.
 ۵. پیانو، سونات، اثر: بتهوون.
 ۶. نواختن پیانو همراه با ویلن.
 ۷. شرکت در گروه گر.
 ۸. نواختن ویلن سل در ارکستر ایرانی، فانتزی در دستگاه ماهور.
 ۹. رهبری دسته موزیک نظامی.
- هر يك از هنرجویان رشته موزیک باید در پایان تحصیلات يك قطعه مارش برای ارکستر تنظیم و سپس اجرای آن را رهبری کند. یکی از آثاری که هنرجویان موظف به اجرای آن بودند دستگاه ماهور از ردیف آقا حسینقلی بود که سالار معزز تنظیم و به نت درآورده بود.

در سال ۱۳۰۷، کارکنان دولت از خدمت همزمان در دو سازمان دولتی منع شدند. سالار معزز و نصرالسلطان و دیگر استادان مدرسه موزیک، که افسر بودند، از خدمت در وزارت معارف کناره‌گیری کردند. از آغاز سال تحصیلی ۱۳۰۷، علینقی وزیر به ریاست مدرسه موزیک برگزیده شد و نام مدرسه موزیک به مدرسه دولتی موزیک تغییر یافت. وزیر پس از شش سال اقامت در اروپا، در سال ۱۳۰۳ به ایران بازگشت و در اسفندماه همان سال آموزشگاهی به نام مدرسه عالی موسیقی بنیاد نهاد. او که در موسیقی ایرانی و نواختن تار استادی بزرگ بود و در موسیقی غربی هم تحصیلات و مطالعاتی داشت، آموزش تار و تعلیم موسیقی ایرانی را به برنامه مدرسه دولتی

موزیک افزود. در سال ۱۳۰۹، یحیی قراگزلو (اعتمادالدوله)، وزیر معارف، از مدرسه موسیقی بازدید کرد. آهنگهای ایرانی و سرودهای ساخته وزیر توجه او را جلب کرد و دستور داد شاگردان مدرسه موسیقی دولتی آن سرودها را در چند دبستان تهران بیاموزند. در مهرماه ۱۳۰۷، باقیمانده استادان نظامی که در این مدرسه تدریس می‌کردند استعفا دادند و سپس رشته موزیک نظام از برنامه مدرسه حذف شد. در سال ۱۳۱۱، وقتی مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه)، رئیس‌الوزرا، از مدرسه موسیقی بازدید کرد و پیشرفت مدرسه تحسین او را برانگیخت، اعتباری در اختیار مدرسه قرار گرفت تا صرف خرید وسایل فنی و ایجاد کتابخانه شود. به پیشنهاد هدایت، نام مدرسه موسیقی دولتی به مدرسه موسیقار تبدیل شد.

عنوان "مدرسه موسیقار" مدت کوتاهی دوام

آورد و در فروردین سال ۱۳۱۳، به هنرستان موسیقی تبدیل شد. از آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۴، به فرمان رضاشاه، غلامحسین مین‌باشیان، معاون اداره کل موزیک قشون و سرپرست ارکستر سمفونی بلدیة شهرداری، که در رشته موسیقی کلاسیک غرب تحصیلات داشت، با حفظ سمتهای ذکر شده، به ریاست مدرسه موسیقی گمارده شد. در سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۴، مین‌باشیان در نخستین اقدام، برنامه آموزش دوران وزیری را به هم ریخت و موسیقی ایرانی را از برنامه درسی هنرستان حذف کرد. در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۵، شورای عالی فرهنگ برنامه جدیدی برای هنرستان موسیقی تدوین کرد. بر اساس این برنامه، يك دوره سه‌ساله ابتدایی پایه‌ریزی شد و برای نخستین بار هنرجویان پسر و دختر در يك کلاس به آموختن موسیقی پرداختند. از سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۵، این برنامه در هنرستان به مرحله اجرا درآمد: در سه کلاس چهارم، پنجم و ششم ابتدایی، همراه با تدریس برنامه عمومی دبستانهای کشور، سلفژ، نت‌خوانی، سرود و ساز به نوآموزان آموخته می‌شد. دروس دوره متوسطه عبارت بود از: دروس عمومی دوره متوسطه شامل: تاریخ ادبیات، ریاضی و فیزیک، جغرافیا، زبان فرانسه، روانشناسی از نظر آموزش و پرورش. دروس فنی و اختصاصی موسیقی شامل: تئوری موسیقی، هارمونی، سرود، سلفژ، دیکته موسیقی، تاریخ سازندگان، اصلاحات موسیقی، ارکستر، گر، همنازی و این سازها آموخته می‌شد: ویلن، ویلن سل، فلوت، پیانو.

مدیران هنرستان عالی موسیقی از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۵۷

۱۲۹۷-۱۳۰۷	غلامرضا مین‌باشیان
۱۳۰۷-۱۳۱۳	علینقی وزیر
۱۳۱۳-۱۳۲۰	غلامحسین مین‌باشیان
۱۳۲۰-۱۳۲۵	علینقی وزیر
۱۳۲۵-۱۳۲۹	پرویز محمود
۱۳۲۹-۱۳۳۱	روبیگ گریگوریان
	شمس‌الدین بهبهانی
	حشمت سنجری (به مدتی کوتاه)
۱۳۳۱-۱۳۳۵	بهاء‌الدین بامشاد
۱۳۳۵-۱۳۳۸	گیتی امیرخسروی
۱۳۳۸-۱۳۵۱	غلامحسین غریب‌گرانی
۱۳۵۱-۱۳۵۳	یوسف یوسف‌زاده
۱۳۵۳-۱۳۵۵	علی رهبری
۱۳۵۵-۱۳۵۷	ابوالقاسم طالب‌زاده

مین‌باشیان که رهبر ارکستر شهرداری هم بود از هنرجویان هنرستان در این ارکستر استفاده کرد. نخستین کنسرت ارکستر بلدیة با شرکت هنرجویان هنرستان موسیقی در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۴ در حضور ذکاء‌الملک فروغی، رئیس‌الوزرا، و وزیران، نمایندگان مجلس و اعضای سفارتخانه‌های خارجی، در سالن نکویی واقع در میدان بهارستان اجرا شد. کنسرت دیگر این ارکستر به مناسبت بزرگداشت پوشکین، شاعر روس، در شب ۱۵ اسفند ۱۳۱۵ با حضور هیئت دولت، نمایندگان مجلس، مدیران روزنامه‌ها، نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی در تالار دانشکده ادبیات اجرا شد. در این کنسرت، آثاری از چایکوفسکی و دیگر آهنگسازان روس که بر آثار پوشکین موسیقی نوشته بودند اجرا شد. در این کنسرت جمشید جهانگیر، از هنرجویان هنرستان، یکی از آثار چایکوفسکی را با ویلن نواخت که تحسین تماشاگران را برانگیخت. قسمتی از اپرای دام پیک اثر پوشکین هم اجرا شد.

در آبان ۱۳۱۷، اداره موسیقی کشور در وزارت فرهنگ ایجاد شد. با تأسیس اداره موسیقی کشور، مین‌باشیان به ریاست هنرستان منصوب شد و نام هنرستان موسیقی به هنرستان عالی موسیقی تغییر یافت. دوره عالی برای رشته‌های مختلف موسیقی تأسیس شد. مدت دوره عالی به تناسب رشته‌های تخصصی از دو تا چهارسال برنامه ریزی شد. دوره عالی برای سازهای ویلن، ویلن سل، ویولن آلتو، کنترباس، پیانو، هارپ، فلوت، اوبوا، ترمپت، کلارینت، ترومبون و دوره‌های آواز، کمپوزیسیون و

پنجم

ریاست اداره موسیقی و هنرستان عالی موسیقی در مهر ۱۳۲۵ به پرویز محمود، که تحصیلات موسیقی را در بروکسل به پایان رسانده بود، داده شد و روبیک گریگوریان جای روح‌الله خالقی را به‌عنوان معاون اداره موسیقی و هنرستان عالی موسیقی گرفت. با تشکیل اداره هنرهای زیبا و تصویب اساسنامه آن در سال ۱۳۲۶، هنرستان عالی موسیقی زیر نظر این اداره قرار گرفت.

محمود پیشنهادی به اداره نگارش هنرهای زیبای کشور ارائه داد مبنی بر حذف موسیقی ایرانی از برنامه هنرستان عالی موسیقی. به دنبال این پیشنهاد، در جلسه شورای عالی فرهنگ تجدید نظر در اساسنامه و برنامه هنرستان به تصویب رسید و کمیسیونی مرکب از دکتر فوهندی، مدیرکل اداره نگارش و هنرهای زیبا، غلامحسین مین‌باشیان، بدیع‌الزمان فروزانفر، علینقی وزیری و پرویز محمود برای تغییر برنامه هنرستان تشکیل شد.

وزیری عقیده داشت برای حفظ موسیقی ملی و پیشبرد و ترویج آن باید برنامه آموزش هنرستان، ضمن آموزش موسیقی غربی، بر اساس آموزش موسیقی ایرانی و مطابق روش خود او تنظیم شود. پرویز محمود عقیده داشت موسیقی ایرانی نوعی

همان سال از ریاست اداره موسیقی کشور و ریاست هنرستان عالی موسیقی برکنار کرد و این دو منصب به علینقی وزیری داده شد. دوره دوم ریاست وزیری از پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ هنرستان عالی موسیقی است.

از تحولات دوره دوم ریاست وزیری، پایان خدمت استادان چک (آبان ۱۳۲۰) و از سرگیری آموزش تار و موسیقی ایرانی در هنرستان بود. با برکناری استادان چک، درسهای اختصاصی موسیقی که آنها تدریس می‌کردند بدون استاد ماند و این سبب اعتصاب و اعتراض هنرجویان هنرستان موسیقی گشت. اعتراض دیگر هنرجویان آن بود که آموزش موسیقی ایرانی را مغایر با آموزش موسیقی غربی می‌دانستند.

دامنه اعتراض هنرجویان به شورای عالی فرهنگ کشید، اما شورای عالی نظر و برنامه علینقی وزیری را تأیید کرد. در ماده هشتم و بیستم اساسنامه نوین هنرستان (مهرماه ۱۳۲۱) هنرجویان ملزم به فراگیری موسیقی ایرانی و جهانی بودند و آشنایی با ساز تار برای اطلاع از کیفیت و شخصیت موسیقی ایران جزو شرایط دریافت گواهینامه متوسطه بود. وزیری تا سال ۱۳۲۵ ریاست اداره موسیقی و ریاست هنرستان موسیقی را به عهده داشت.

رهبری ارکستر ایجاد شد. برای موزیک نظام هم دوره‌ای به مدت هشت سال (شش سال متوسطه، دو سال عالی) راه افتاد.

با تأسیس دوره عالی، مین‌باشیان ده استاد موسیقی از کشور چکسلواکی برای تدریس در هنرستان استخدام کرد و قراردادی سه‌ساله با آنها بست. استادان چک، از سال تحصیلی ۱۳۱۸-۱۹، تعلیم سازهای هارپ، فاگوت، ترمبون و اوبوا را آغاز کردند. با همکاری استادان چک و هنرجویان هنرستان، دو سه ارکستر با رهبری مین‌باشیان ایجاد شد. پس از افتتاح رادیو تهران، هنرجویان همراه با استادان چک به‌طور مستمر برنامه‌هایی در رادیو تهران اجرا می‌کردند. تا سال ۱۳۲۰، نزدیک به دوپست هنرجو در دوره‌های ابتدایی، متوسطه و عالی در هنرستان عالی موسیقی به تحصیل اشتغال داشتند. غیر از استادان چک، این استادان هم در هنرستان عالی به هنرجویان درس می‌دادند: تانیا خاراتیان، میشل خوتسیف، بطرو لگی‌مقدم، آراکلیان، صفریان، فریدون فرزانه، پرویز محمود.

دوره چهارم

با حادثه سوم شهریور ۱۳۲۰ و دگرگونی اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران، غلامحسین مین‌باشیان را وزیر فرهنگ کابینه محمدعلی فروغی در مهر

گروهی از فارغ‌التحصیلان کلاس سرود در سال ۱۳۲۰ سرگرد غلامحسین مین‌باشیان (وسط)



موسیقی محلی و فاقد متدها و کتابهای فنی و نظری است و نمی‌توان آن را پایه‌ی تعلیمات آموزشگاه عالی موسیقی قرار داد، در حالی که با تعلیم اسلوبهای علمی و کتب نظری موسیقی بین‌المللی، هنرجویان معلومات و تکنیکی به دست خواهند آورد که به آسانی می‌توانند آهنگهای موسیقی ایرانی را طوری پرداخته و تنظیم کنند که با دارا بودن مایه و رنگ ایرانی، برای ملتهای دیگر نیز خوشایند و پذیرفتنی باشد.

شورای عالی فرهنگ پس از این گفتگوها در سال ۱۳۲۷ تصویب کرد که در هنرستان عالی موسیقی فقط موسیقی کلاسیک تدریس شود. در این سال تشکیل دوره‌ی عالی هنرستان عالی موسیقی نیز به تصویب رسید و تدریس موسیقی ایرانی از برنامه هنرستان عالی حذف شد.

مدیران هنرستان عالی موسیقی

غلامرضا مین‌باشیان (۱۳۱۴-۱۲۴۰)

در اسفند ۱۲۵۸ در میان شاگردان کلاس نقاشی و زبان فرانسه در دارالفنون شاگرد دوم شد و از طرف ناصرالدین‌شاه پاداش و نشان گرفت. در شعبه‌ی موزیک نظام موسیقی آموخت، در سال ۱۲۷۷ به درجه میرپنچی (سرتیپی) رسید، در همین سال فرزند سیزده‌ساله خود، نصرالله خان، را برای

دوره‌ی هنرستان عالی شش سال تعیین شد: دو سال دوره‌ی ابتدایی و چهار سال دوره‌ی دبیرستان. این دروس در هنرستان عالی تدریس می‌شد: تئوری موسیقی، سلفژ، ساز، هارمونی عمومی، تاریخ موسیقی غرب، زیباشناسی، ادبیات فارسی، زبان انگلیسی، آکوستیک، ارکستر.

از سال ۱۳۵۰ که نظام جدید آموزشی در ایران به اجرا درآمد، برنامه‌ی هنرستان عالی موسیقی نیز تغییر کرد. هنرستان در سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۵۱ دارای سه دوره بود:

۱. دوره‌ی راهنمایی: مدت این دوره سه سال بود. همه‌ی دروس دوره‌ی راهنمایی مطابق برنامه وزارت آموزش و پرورش تدریس می‌شد همراه سه درس موسیقی: تئوری موسیقی، سلفژ، ساز.

۲. دوره‌ی دبیرستان: مدت این دوره چهار سال بود.

درس عمومی شامل: ادبیات فارسی، زبان خارجه، انقلاب سفید مطابق برنامه وزارت آموزش و پرورش. دروس موسیقی شامل: سلفژ، تئوری موسیقی، هارمونی، تاریخ موسیقی، آکوستیک، سازشناسی، فرم موسیقی، آواز دسته‌جمعی، دروس عملی مانند ارکستر، پیانو اجباری، آکومپانیان، همنازی و ساز تخصصی.

۳. دوره عالی (لیسانس): مدت این دوره چهار سال بود. دروسی که در این دوره تدریس می‌شد دروس عمومی شامل ادبیات فارسی، زبان خارجه؛ دروس نظری موسیقی مانند کنترپوان، سازشناسی، هارمونی، سلفژ، تاریخ موسیقی، فرم موسیقی، آکوستیک، تئوری موسیقی ایرانی، کمپوزیسیون. دروس عملی مانند پیانو (اجباری) ارکستراسیون، همنازی، ساز تخصصی یا آواز.

تحصیل موسیقی به پرتوگرا برد و خود نیز بیش از دو سال در روسیه به مطالعه در موسیقی پرداخت و از درس موسیقیدان بزرگی چون ریمسکی کورساکف استفاده کرد. در بازگشت به ایران به ریاست کل موزیک قزاقخانه منصوب شد. مدتی نیز به احمدشاه و محمدحسن میرزا ولعهد پیانو تعلیم می‌داد. در سال ۱۲۹۰ بازنشسته شد و در

سال ۱۳۱۴ درگذشت. برای نخستین بار کورک ایرانی را برای پیانو ابداع کرد، گوشه‌های دستگاههای ایرانی را به نت درآورد، ردیفهای ایرانی را به پیانو انتقال داد و یک دوره کتاب ارکسترشناسی و سازشناسی و هماهنگی با همکاری مژین‌الدوله از فرانسه به فارسی ترجمه کرد.

یادهایی از هنرستان موسیقی

از کتاب سرگذشت موسیقی ایران
نوشته روح‌الله خالقی، جلد سوم

بی‌اعتنا بود. شاید برای این‌که آن را نمی‌دانست و مثلی است معروف که انسان دشمن چیزی است که نمی‌داند.

وقتی وارد هنرستان شد دید بعضی از شاگردان تار می‌زنند. گفت باید ساز خود را عوض کنند و یکی از آلات موسیقی اروپایی را بتوانند. چند ماهی علی‌الکبر شهنازی را به سمت معلمی تار به هنرستان آورد و گفت موسیقی ایرانی را باید شفاهی تعلیم گرفت.

شاگردان کلاس تار که دیدند معلم‌شان خط موسیقی را نمی‌داند، به تعلیم شفاهی اظهار علاقه نکردند. هم‌کلاسه‌های آنها هم که سازهای فرنگی می‌زدند به تقلید گفته‌های رئیس مدرسه شروع کردند که شاگردان کلاس موسیقی ایران را تمسخر کنند.

یک مرتبه موسیقی ایرانی مورد بی‌مهری محیط هنرستان قرار گرفت. شاگردانی هم که به این رشته علاقه داشتند یا سازشان را عوض کردند یا مدرسه را ترک گفتند. مین‌باشیان هم که منظورشان حاصل شده بود یک روز ناظم مدرسه را صدا کرد و گفت تارها را جمع کنید و در انبار بگذارید زیرا کسی داوطلب تحصیل آن نیست. معلم تار هم مرخص شد. با این ترتیب، نواختن نغمات ملی در مدرسه ممنوع گردید و صدا هم از کسی درنیامد، زیرا رئیس مدرسه افسر نظامی بود و هرچه می‌گفت باید بی‌چون‌وچرا اجرا می‌شد.

مین‌باشیان به موسی معروفی که عمری در خدمت موسیقی ایران صرف کرده بود گفت تعلیم تار لازم نیست چون خط شما خوب است، دفتر اندیکاتور بنویسید و او هم عضو دفتر هنرستان شد.

علینقی وزیری (۱۳۵۸-۱۲۶۵)

پس از تحصیلات مقدماتی موسیقی سنتی نزد میرزا عبدالله، به اروپا رفت و پنج سال در فرانسه و آلمان موسیقی علمی آموخت. در سال ۱۳۰۲ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۰۳ نخستین کنسرتها را برای عموم اجرا کرد. در سال ۱۳۰۷ به ریاست مدرسه موسیقی دولتی که بعدها هنرستان عالی موسیقی (کنسرواتور) نامیده شد رسید. در سال ۱۳۱۲ به دستور رضاشاه از کار برکنار شد.

وزیری روشی ثنوریک برای موسیقی ایرانی بنیاد نهاد. علائم شری و گژن، گام بیست و چهار ربع پرده که بیانکننده فواصل خاص موسیقی ایرانی است، علائمی برای تحریر و تکیه‌ها و نیز برابرای فارسی بسیاری از اصطلاحات موسیقی بین‌المللی که امروزه در ایران رواج دارد از جمله کارهای اوست.

وزیری در سال ۱۳۰۴ در يك سخنرانی گفت: "موسیقی معاصر عبارت است از يك سلسله آهنگهای بازاری که به‌عنوان پیش‌درآمد و تصنیف و رنگ معمول است. آواز هم اکثراً يك طرز سوگواری است که می‌توان یادگار مصائب گذشته دانست. اما انتقاداتی که به من می‌کنند یکی این است که می‌گویند فلان کس موسیقی ایران را از بین می‌برد. بفرمایید ببینم کدام موسیقی را؟ اگر مقصودتان موسیقی مجالس کیف است که این خود خدمتی است."

غلامحسین مین‌باشیان (۱۳۵۹-۱۲۸۶)

همراه پدرش، سالار معزز، در پتروگراد، ژنو و برلن به آموختن ویلن، پیانو، هارمونی و هم‌نوازی پرداخت. در سال ۱۳۰۹ نخستین هنرجوی آسیایی بود که در کنسرواتور برلن جایزه گرفت.

در ۱۳۱۱ به ایران آمد و به معاونت اداره موسیک قشون و سرپرستی دسته‌های موسیک نظام منصوب شد. در موسیقی ایرانی هم آثاری دارد و چند مارش روی اشعار فردوسی، ملک‌الشعراى بهار و پورداود ساخته است.

پرویز محمود (۱۳۷۵-۱۲۸۹)

فرزند محمود محمود، مورخ و محقق، در سال ۱۳۱۸ پس از اتمام تحصیلات موسیقی در رشته کمپوزیسیون از بروکسل به ایران بازگشت و در هنرستان عالی موسیقی به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۵ به ریاست اداره موسیقی کشور و هنرستان عالی موسیقی منصوب شد. پایه‌گذار ارکستر سمفونیک تهران است. معتقد بود حال که موسیقی ایرانی علمی و متدیک نشده و معمای فواصل خاص موسیقی حل نگشته، باید با مطالعه در آثار کورساکف و دیگر آهنگسازانی که در زمینه موسیقی شرق کار کرده‌اند و همچنین تلفیق ویژه آکوردها، حالات موسیقی ایرانی را به شنونده القا کنیم. از آثار او، پوئم سمفونیک لاله با الهام از اثری به همین نام از صادق هدایت است.



علینقی وزیری در ۷۸ سالگی

از منتقدان سرسخت و آشتی‌ناپذیر علینقی وزیری بود و تئوریهای او را به دیده شک و ناباوری می‌نگریست. در رساله دکترای خود نوشت: "وزیری سعی کرد که مسئله به اصطلاح ربع پرده را با تقسیم کردن یک اکتاو به بیست و چهار فاصله ربع پرده مساوی حل نماید... با این کار در حقیقت گام معتدل شده غربی را پذیرفت و در آن به‌طور تصنعی هر فاصله نیم پرده را به دو بخش مساوی تقسیم کرد."

در سال ۱۳۲۸ به آمریکا مهاجرت کرد و در سال ۱۳۷۵ در همان‌جا درگذشت.

عبدالعلی وزیری و جواد معروفی هم در آن موقع معلم موسیقی ایرانی مدرسه بودند. اولی هنرآموز سرود شد و دومی هم از هنرستان رفت و در وزارتخانه دیگری به کار اداری مشغول شد.

عقیده مین‌باشیان این بود که باید در يك کنسرواتور همان راهی را رفت که در ممالک مترقی رفته‌اند، یعنی اساس تحصیلات باید بر موسیقی متدیک علمی باشد.

البته این نظریه صحیحی است ولی تکلیف موسیقی ملی چیست؟ در ممالک اروپائی به‌راستی امروز دیگر موسیقی ملی با موسیقی علمی آنچنان مخلوط شده که رشته جدائی نیست و روی فولکور ملی هم به اندازه کافی مطالعه شده است. ولی در يك کشور شرقی نظیر ایران که موسیقی ملی آن، به‌خصوص در آن زمان، تقریباً دست نخورده بود، این نظریه قابل قبول نبود و باید مین‌باشیان فکری هم برای موسیقی ملی می‌کرد که متأسفانه نکرد و موسیقی ایرانی از محیط هنرستان رانده شد و مورد بی‌مهری قرار گرفت و در نتیجه به تدریج شاگردان هنرستان هم با نظر تحقیر به آن نگریستند و طبیعی است که این کار به ضرر موسیقی ملی ما بود. زیرا راهی که چندین سال وزیری برای پیشرفت موسیقی ملی باز کرده بود مسدود شد، چه موسیقی ملی هم وقتی ترقی می‌کند که در مدرسه بر مبنای صحیح علمی تدریس شود.

باری برنامه هنرستان را دوباره تغییر دادند و برنامه جدیدی به تصویب شورای عالی فرهنگ رسانیدند. عجیب این است که نه وزارت فرهنگ و نه اعضای شورا هیچ‌کدام نرسیدند عیب برنامه سابق چه بوده که تغییر می‌کند.

آنچه در مدت نزدیک به سی سال خدمت فرهنگی دیده‌ام شورای عالی فرهنگ ما با آن عنوان برجسته همیشه آلتی در دست وزیر فرهنگ بوده است و هرچه وزیر خواسته است عملی شده است. چنانکه رئیس شورا هم همیشه وزیر فرهنگ بوده است.

وزیر فرهنگ از موسیقی اطلاع نداشت و چون مین‌باشیان به اراده عالی‌ترین مقام مملکتی به این کار گمارده شده بود، همه کس فکر می‌کرد هرچه پیشنهاد می‌کند به مصلحت است. این بود که در مقابل پیشنهادهای او هیچ وقت کوچکترین اشکالی پیش نمی‌آمد، به‌خصوص که مین‌باشیان هم درس خود را خوب روان بود و اغلب در پیشنهادهایش می‌نوشت: "حسب الامر چنین مقرر شده است" این بود که در مقابل این جمله همه سر تعظیم فرود می‌آوردند و دیگر کسی هم تحقیق نمی‌کرد که راست است یا نه.

ولی متأسفانه وزیر فرهنگ بی‌اراده پیشنهاد مین‌باشیان را بی‌چون و چرا قبول کرد و بزرگترین ضررت را به پیکر موسیقی ایرانی که تازه می‌خواست جانی بگیرد وارد آورد.

در آن موقع هنرستان موسیقی مانند سایر مدارس زیر نظر و اداره تعلیمات وزارت فرهنگ بود. مین‌باشیان مجبور بود گزارشها و مطالب مربوط به مدرسه را به رئیس تعلیمات بدهد که او به نظر وزیر برساند و این کار علاوه بر این که طول می‌کشید قبل از ملاحظه وزیر از يك مرجع غیرهنری هم می‌گذشت، پس صلاح در این دید که بی‌واسطه با وزیر در تماس باشند. این بود که گفت حسب الامر باید اداره‌ای به نام اداره موسیقی کشور هم تأسیس شود.